



فارسی زبان

راچگونه آموزش دهیم

آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان - ۱



نویسنده: دکتر رضامراد صحرایی

(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)



نشر نویسه پاریس

زبان فارسی را چگونه آموزش دهیم

نویسنده:

دکتر رضامراد صحرایی

(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

موضوع	صحرایی، رضامراد
عنوان و نام پدیدآور	زبان فارسی را چگونه آموزش دهیم؟! نویسنده رضامراد صحرایی؛ ویراستار پیرسا بهشتی.
مشخصات نشر	تهران: نشر نویسه پاریسی، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	۲۷۰ صفحه
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۷۲۸۶-۱۵-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
عنوان دیگر	How to teach Persian
یادداشت	پشت جلد به انگلیسی: Reza M. Sahraee. How to Teach Persian:
یادداشت	کتاب حاضر با حمایت معنوی دانشگاه علامه طباطبائی منتشر شده است.
موضوع	فارسی -- کتاب‌های درسی برای خارجی‌ان Persian Language -- Textbooks for Foreign Speakers
موضوع	زبان‌شناسی کاربردی - آموزش زبان Applied Linguistics
موضوع	فارسی -- راهنمای آموزشی - خارجی‌ان Persian Language -- Study and Teaching -- Foreign Speakers
موضوع	آموزش زبان دوم / خارجی Second / foreign Language Teaching
موضوع	مهارت‌های زبانی - Language Skills
شناسه افزوده	صحرایی، رضامراد، ۱۳۵۵ - نویسنده
ویراستار	بهشتی پیرسا، ۱۳۶۵ - ویراستار
شناسه افزوده	دانشگاه علامه طباطبائی - Allameh Tabatabaee University
رده بندی گنگره	FIR۲۸۲۷
رده بندی دیویی	۸۱۲۲/۴
شماره کتابشناسی ملی	۷۴۶۴۴۴۵



نشر نویسه پارسه

زبان فارسی را چگونه آموزش دهیم

نویسند: دکتر رضامراد صحرانی

ویراستار: پریسا بخشنده

اتلیه نشر نویسه پارسه: STUDIO FIVE

ناشر: نشر نویسه پارسه

دفتر انتشارات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

نماینده فروش: کتابفروشی توس: ۶۶۴۶۱۰۰۷

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: www.neveeseh.com

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

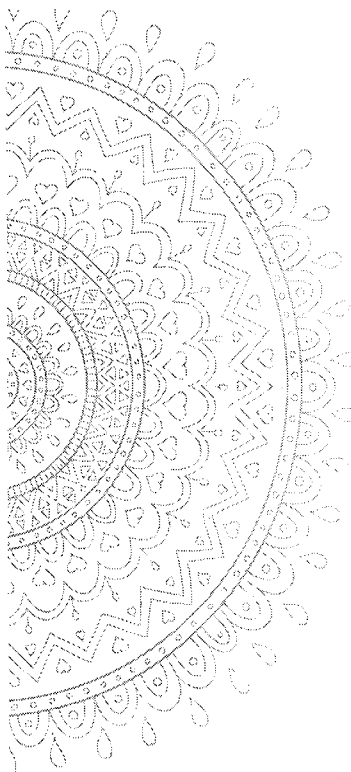
شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۶-۱۵-۸

چاپ و صحافی: روز

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پارسه» است.
تکثیر و انتشار این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، بدون مجوز قبلی و کتبی
ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.

زبان شناسی کاربردی	شماره مسلسل انتشارات
۱۶	۱۱۰



فهرست مطالب

بیشگفتار نویسنده ۹

□ فصل اول: مبانی آموزش زبان / ۱۳ □

- ۱-۱. ماهیت آموزش زبان ۱۵
- ۲-۱. برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش ۱۷
- ۳-۱. روش تدریس ۱۹
- ۴-۱. سیر تکوین روش‌های تدریس زبان ۲۲
- ۵-۱. اصول آموزش زبان ۲۶
- ۶-۱. یادگیرنده محوری چیست؟ ۳۱
- ۷-۱. جمع‌بندی ۳۳
- سؤالات فصل ۳۴
- منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر ۳۸

□ فصل دوم: آموزش مهارت شنیدن / ۳۹ □

- ۱-۲. شنیدن چیست؟ ۴۱
- ۲-۲. اصول آموزش مهارت شنیدن ۴۴
- ۳-۲. راهبردها و نکات آموزش مهارت شنیدن ۴۷
- ۴-۲. یک تجربه، چند راهبرد ۵۰
- ۵-۲. جمع‌بندی ۵۳
- سؤالات فصل ۵۴
- منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر ۵۷

□ فصل سوم: آموزش مهارت صحبت کردن / ۵۹ □

- ۱-۳. مهارت صحبت کردن و توانش‌ها ۶۱
- ۲-۳. دوزبانگی ۶۵
- ۳-۳. گونه‌های زبان ۶۵
- ۴-۳. مهارت صحبت کردن ۶۶
- ۵-۳. گوینده خوب ۶۸
- ۱-۵-۳. تلفظ ۶۸

۶۸	۲-۵-۳. کارکردهای زبان
۶۸	۳-۵-۳. مهارت‌های تعاملی
۶۹	۴-۵-۳. کلام گسترده
۷۰	۶-۳. اصول آموزش صحبت کردن
۷۴	۷-۳. آموزش مهارت صحبت کردن با استفاده از مهارت‌های دیگر
۷۵	۱-۷-۳. تفاوت و شباهت را پیدا کن
۷۷	۲-۷-۳. صندلی داغ
۷۷	۳-۷-۳. درباره تصویر صحبت کن
۷۸	۴-۷-۳. فیلم کوتاه
۷۸	۵-۷-۳. بیست سؤالی
۷۸	۸-۳. جمع‌بندی
۷۹	سؤالات فصل
۸۲	منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

□ فصل چهارم: آموزش مهارت خواندن / ۸۳ □

۸۵	۱-۴. خواندن چیست؟
۸۷	۲-۴. مدل فعال خواندن
۹۳	۳-۴. رابطه بین مراحل آموزش مهارت خواندن و فرایند خواندن
۹۶	۴-۴. جمع‌بندی
۹۷	سؤالات فصل
۹۹	منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

□ فصل پنجم: آموزش مهارت نوشتن / ۱۰۱ □

۱۰۳	۱-۵. نوشتن چیست؟
۱۰۵	۲-۵. رویکردهای نوشتن
۱۰۷	۳-۵. نمونه کلاس نوشتن
۱۰۹	۴-۵. اصول آموزش نوشتن
۱۱۲	۵-۵. نظام‌های نوشتاری
۱۱۴	۶-۵. نکات کاربردی
۱۱۶	۷-۵. جمع‌بندی

۱۱۷	سؤالات فصل
۱۱۹	منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

□ فصل ششم: آموزش تلفظ و مشکلات آن / ۱۲۱ □

۱۲۳	۱-۶. آموزش تلفظ و مشکلات آن
۱۲۵	۲-۶. ویژگی آوایی زبان
۱۲۷	۳-۶. نمونه کلاس آموزش تلفظ
۱۲۸	۴-۶. ویژگی کلاس آموزش تلفظ و آموزش الفبا
۱۳۱	۵-۶. اصول آموزش تلفظ
۱۳۴	۶-۶. جمع‌بندی
۱۳۵	سؤالات فصل
۱۳۷	منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

□ فصل هفتم: آموزش واژه / ۱۳۹ □

۱۴۱	۱-۷. واژه را چگونه آموزش دهیم؟
۱۴۷	۲-۷. چهار اصل مهم در آموزش واژه
۱۵۳	۳-۷. راهبردهای آموزش واژه
۱۵۹	۴-۷. جمع‌بندی
۱۶۰	سؤالات فصل
۱۶۲	منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

□ فصل هشتم: آموزش دستور / ۱۶۵ □

۱۶۷	۱-۸. مقدمه
۱۶۹	۲-۸. تعریف‌ها و رویکردها
۱۷۳	۳-۸. دستور آموزشی
۱۷۴	۴-۸. اصول آموزش دستور زبان
۱۷۷	۵-۸. تکنیکهای آموزش دستور
۱۷۹	۶-۸. چند تکنیک دیگر برای آموزش دستور
۱۸۱	۷-۸. دونه فعالیت کلاسی در قالب مثلث دستور آموزشی
۱۸۳	۸-۸. جمع‌بندی

سؤالات فصل.....	۱۸۴
منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر.....	۱۸۶

□ فصل نهم: سبک‌ها و راهبردهای یادگیری / ۱۸۷ □

۱-۹. سبک‌های یادگیری.....	۱۸۹
۲-۹. راهبردهای یادگیری.....	۱۹۲
۳-۹. راهبردهای شناختی.....	۱۹۴
۴-۹. راهبردهای بینافردی.....	۱۹۹
۵-۹. راهبردهای زبانی.....	۲۰۱
۶-۹. راهبردهای عاطفی.....	۲۰۴
۷-۹. راهبرد خلاق.....	۲۰۶
۸-۹. اصول و اهمیت آموزش مبتنی بر سبک‌ها و راهبردها.....	۲۰۷
۹-۹. جمع‌بندی.....	۲۰۹
سؤالات فصل.....	۲۱۰
منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر.....	۲۱۲
فهرست منابع.....	۲۱۳
پاسخ‌نامه سؤالات فصل.....	۲۱۹
واژه‌نامه.....	۲۵۹

آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان سابقه بسیار طولانی دارد. از حداقل دو قرن پیش، در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان، از شبه‌قاره هند و چین گرفته تا اروپا و آمریکا، آموزش زبان فارسی رایج بوده‌است. فارسی‌آموزان خارجی، به‌ویژه دانشجویان، با اهداف مختلفی سعی در یادگیری زبان فارسی داشته‌اند؛ برخی فارسی را برای شناخت بیشتر می‌آموزند (= دانشجویان رشته‌های ایران‌شناسی و شرق‌شناسی در خارج از ایران) و برخی دیگر عاشق و شیفته ادبیات غنی و بی‌مانند زبان فارسی هستند (= عمده دانشجویان شبه‌قاره هند و سایر کشورها). برخی با اهداف تجاری فارسی را می‌آموزند (= بسیاری از فارسی‌آموزان جوان ترک و عرب) و برخی دیگر با اهداف سیاسی (= مانند دانشجویان رشته مطالعات منطقه‌ای در دانشگاه‌های اروپایی و آسیایی و فرزندان و خانواده‌های دیپلمات‌های خارجی مقیم ایران). برخی برای اهداف مذهبی، به‌ویژه آشنایی با فقه پویای شیعه فارسی را می‌آموزند (= طلاب و دانشجویان مراکز دینی؛ در رأس آنها جامعه المصطفی العالمیه) و برخی دیگر برای اهداف سیاحتی و گردشگری و آشنایی با تاریخ جذاب و عبرت‌آموز کهن‌ترین تمدن بشری (= گردشگران و دانشجویان خارجی رشته تاریخ ایران و تاریخ جهان). کم نیستند کسانی که فارسی زبان میراثی آنها است و به عشق والدین و مام‌میهن؛ فارسی را می‌آموزند (= ایرانیان خارج از کشور). بسیاری از خارجیان، فارسی را با اهداف دانشگاهی می‌آموزند تا برای تحصیل به ایران بیایند. بی‌شک، تنوع فارسی‌آموزان خارجی تنها به این گروه‌ها محدود نمی‌شود.

در بسیاری از کشورهای جهان، فارسی در مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تدریس می‌شود (از جمله در ترکیه، قرقیزستان، گرجستان، ارمنستان، قزاقستان، روسیه، لبنان و آلمان). در بیش از ۶۰ کشور جهان، علاوه بر دانشگاه‌ها و مدارس، زبان فارسی در مراکز و مؤسسه‌های آموزشی آزاد نیز تدریس می‌شود.

تنوع فارسی‌آموزان خارجی، در کنار تفاوت‌های فردی آنها و سایر عوامل تأثیرگذار در یادگیری زبان دوم (مانند سن، جنس، زبان اول، نظام آموزشی و مانند اینها)، تربیت معلمان و مدرسان حرفه‌ای برای آموزش ساده، سریع، انگیزه‌بخش و مؤثر زبان فارسی را به یک ضرورت قطعی و غیرقابل اجتناب بدل ساخته‌است. برای آموزش اثربخش زبان

فارسی تسلط کافی بر این زبان و آشنایی با روش‌ها و فنون تدریس آن لازم است اما کافی نیست. معلم موفق زبان فارسی کسی است که بتواند اصول و فنون آموزشی را به خوبی و به درستی بکار ببندد. اینجاست که فرق عالم و معلم نمایان می‌شود. در همه رشته‌های تحصیلی، از جمله رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، عالمان (= فارغ‌التحصیلان و تحصیل‌کردگان) زیادی وجود دارد؛ اما همه آنها لزوماً معلمان خوب و موفقی نیستند. معلمی ترکیبی است از هنر، مهارت و البته عشق! معلم موفق کسی است که دانش و آموخته‌های علمی خود را به فن و مهارت تبدیل می‌کند و از این طریق یادگیری زبان فارسی را برای مخاطبان خودش لذت‌بخش و خاطره‌انگیز می‌سازد.

کتاب حاضر با همین هدف تألیف شده است. در این کتاب، بر آن بوده‌ایم تا اصول و فنون آموزش مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبان فارسی را به زبانی ساده و فهما بیان کنیم. محتوای این کتاب برگرفته از مجموعه کلیپ‌های آموزشی نگارنده در دوره غیرهمزمان آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان است که توسط بنیاد سعدی در سال ۱۳۹۹ طراحی و اجرا شد. در آن دوره آموزشی، که هنگام تألیف این کتاب حدود ۳۵۰ استاد و مدرس زبان فارسی از بیش از ۳۰ کشور جهان در آن شرکت کرده بودند، ۵۴ قطعه ویدئوی آموزشی ۷ تا ۱۰ دقیقه‌ای ضبط و موشن‌گرافی شده بود.

اگرچه هنگام پیاده‌سازی آن ویدیوها تلاش شد که سبک متن به فارسی نوشتاری معیار بسیار نزدیک شود اما در مواردی هنوز سبک بیان مطالب فارسی گفتاری است.

این کتاب در ۹ فصل مجزا تألیف شده است. پس از فصل مقدمه، که درباره مسائل کلی آموزش زبان دوم/ خارجی است، فصل‌های ۲ تا ۵ به‌ترتیب به آموزش مهارت‌های «شنیدن»، «صحبت کردن»، «خواندن» و «نوشتن» اختصاص یافته‌اند. فصل ششم درباره آموزش «تلفظ» است و فصل‌های ۷ و ۸ به‌ترتیب به آموزش «واژه» و «دستور زبان فارسی» اختصاص یافته‌اند. فصل پایانی نیز درباره «سبک‌ها و راهبردهای یادگیری» است. در انتهای هر فصل، یک آزمونک طراحی شده است تا خواننده در پایان فصل، میزان فهم و درک خود را مورد سنجش قرار دهد. پاسخ سؤال‌های این آزمونک‌ها در انتهای کتاب به صورت تشریحی ارائه شده است. همچنین، در پایان هر فصل مهم‌ترین منابع مورد استفاده نگارنده ارائه شده است که می‌تواند برای مطالعه بیشتر خوانندگان نیز سودمند

باشند. مخاطبان اصلی این کتاب همهٔ استادان و مدرسان زبان فارسی در داخل و خارج از ایران هستند. بعلاوه، این کتاب می‌تواند منبع قابل‌اتکایی برای دو واحد درسی «اصول و فنون آموزش مهارت‌های زبانی» و «تدریس عملی» در دوره کارشناسی‌ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان باشد.

در پیاده‌سازی محتوای ویدیوهای آموزشی جمعی از همکاران بنیاد سعدی کمک شایان توجهی کردند؛ به ویژه سرکار خانم مریم کاظمی بهار و جناب آقای امیر احمدی و جناب آقای دکتر احسان طوفانی‌نژاد؛ از ایشان صمیمانه سپاسگزارم. در طراحی آزمونک‌ها و تدوین منابع، آقای غلامحسین رضاپور دستیار بسیار قابل‌اعتمادی بود، قدردانم. همچنین از سرکار خانم پریسا بخشنده که بخش دشوار ویراستاری محتوای پیاده‌سازی شدهٔ ویدیوهای آموزشی را برعهده گرفتند سپاسگزارم. در پایان، از نشر نویسه پارسی، به ویژه مدیر محترم این نشر فاخر، جناب آقای امیر احمدی، به خاطر اهتمام ایشان در انتشار این کتاب صمیمانه سپاسگزارم.

رضامراد صحرانی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

آبان ماه ۱۳۹۹



فصل اول: مبانی آموزش زبان

۱-۱. ماهیت آموزش زبان

آموزش زبان دوم / خارجی فارغ از اینکه چه زبانی باشد، یک حرفه است و باید مانند سایر حرفه‌ها براساس اصول و فنون خودش طراحی و اجرا شود. همانطور که در سراسر جهان برای رشته‌های مختلف، انجمن‌های تخصصی و حتی اتحادیه‌های مربوط به مشاغل و حرفه‌های مختلف وجود دارد، برای مثال انجمن پزشکان، مهندسان، پرستاران و مانند اینها، درمورد حرفه آموزش زبان نیز این موضوع صادق است، به‌ویژه آموزش زبان فارسی که دارای ویژگی‌های خاصی است و باید مانند سایر زبان‌های دیگر آموزش داده شود.

نگاه حرفه‌ای، اولین گام موفقیت در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است. اینکه هر شخصی که فارسی می‌داند، می‌تواند فارسی را آموزش دهد، نخستین سوءبرداشت در آموزش زبان فارسی است. همچنین، هر شخصی که در رشته‌ای مرتبط با زبان فارسی مانند زبان‌شناسی یا زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرده است می‌تواند زبان فارسی را آموزش دهد، سوءبرداشتی دیگر است.

در ایران، مقطع دکتری رشته زبان انگلیسی با گرایش‌های آموزش، ادبیات و مترجمی وجود دارد. اینکه چرا برای زبان‌های خارجی تا مقطع دکتری، تخصصی و حرفه‌ای نگاه کرده‌ایم اما برای آموزش زبان فارسی به ایرانیانی که فارسی‌زبان نیستند به‌طورعموم، و خارجیان و ایرانیان خارج از کشور به‌طورخاص، این نگاه حرفه‌ای را نداشته‌ایم، پرسشی است که باید به آن بیاندیشیم.

در آغاز سخن، به رفع سوءتفاهم‌ها و برداشت‌های نادرست در این حوزه می‌پردازیم؛ شخصی که زبان فارسی می‌داند لزوماً نمی‌تواند معلم فارسی باشد؛ اگر چنین باشد، به تعداد فارسی‌زبانان می‌توانیم معلم زبان فارسی داشته باشیم، حال آنکه این موضوع نادرست است. نکته دوم اینکه آموزش زبان فارسی با آموزش ادبیات فارسی یا زبان‌شناسی متفاوت است و مقتضیات و ویژگی‌های خاص خود را دارد.

گام نخست، نگاه حرفه‌ای به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است. این حرفه مانند هر حرفه دیگری اصول، فنون و ابزارهای خاص و مهم‌تر از همه خاستگاه خاص خود را دارد. پیش از پرداختن به این موارد، بهتر است بدانیم که علم آموزش زبان دوم /

خارجی به‌طورعام، که درمورد فارسی هم به‌طور خاص صادق است، دارای چه پایگاه علمی است و از کجا تأثیر می‌پذیرد.

به‌طورکلی آموزش زبان در سه ساحت «فلسفه»، «روان‌شناسی» و «زبان‌شناسی» ریشه دارد:

«فلسفه»، یعنی نوع نگاهمان به مقوله زبان به‌طورعام. شخصی که معلم زبان فارسی می‌شود باید کمی درباره فلسفه خود فکر کند. اینکه می‌گوییم باید فلسفه بداند به این معنا نیست که رشته او فلسفه باشد، بلکه باید نگاه خود نسبت به زبان را بررسی کند؛ یعنی دیدگاهش نسبت به زبان چیست یا در سطحی فراتر، چه نگرشی نسبت به انسان دارد؟ فلسفه، مادر علوم است و طبیعتاً بر روان‌شناسی و زبان‌شناسی هم تأثیر می‌گذارد. اگر در فلسفه، معتقد باشیم که انسان پدیده‌ای کاملاً مادی است؛ در یادگیری و آموزش، تابع روان‌شناسی‌ای خواهیم بود که همه چیز را در گروی محیط می‌داند؛ یعنی روان‌شناسی رفتارگرا^۱. در زبان‌شناسی هم تابع گرایش و دیدگاهی خواهیم بود که آموزش زبان را معادل آموزش دستور زبان می‌داند و زبان را هم معادل دستور آن تلقی می‌کند؛ یعنی زبان‌شناسی ساختگرا. از سوی دیگر، اگر فلسفه ما این باشد که انسان یک موجود صددرصد مادی نیست بلکه ویژگی‌های پیشین و اکتسابی نیز دارد، روان‌شناسی ما از رفتارگرا به‌سوی روان‌شناسی شناختی^۲ و همچنین روان‌شناسی گشتالتی^۳ سوق پیدا می‌کند. بنابراین، انسان را به‌عنوان یک موجود کاملاً زمینی تحلیل نمی‌کنیم و یادگیری او را هم فقط مستقیم و تقلیدی نمی‌دانیم. زبان‌شناسی‌مان نیز تغییر خواهد کرد و زبان را معادل ساختارها و دستور نمی‌پنداریم؛ بلکه زبان را وسیله‌ای برای ارتباط در نظر می‌گیریم. برهم‌کنش فلسفه، روان‌شناسی و زبان‌شناسی، در آموزش زبان به‌طورکامل متجلی می‌شود. اگر در آموزش زبان فلسفه پوزیتیویست^۴، ثبوت‌گرایی یا فلسفه تجربه‌گرا^۵ را انتخاب کنیم، روان‌شناسی ما مبتنی بر تکرار خواهد بود و در این شرایط، آموزش زبان یعنی تکرار، تقلید و تمرین. بنابراین آموزش زبان نیز در حوزه زبان‌شناسی یعنی هر شخصی که دستور زبان بداند؛ زبان

^۱ behavioral psychology

^۲ cognitive psychology

^۳ gestalt psychology

^۴ positivism

^۵ Empiricism

را یاد گرفته است. اگر فلسفه ما تغییر یابد و بخشی از ویژگی‌های انسان را ذاتی بپنداریم، پس در روان‌شناسی، پیرو روان‌شناسان گشتالتی خواهیم بود. در این نوع روان‌شناسی، کل مساوی با اجزا نیست، بلکه مساوی با اجزا به علاوه رابطه آنهاست. به همین ترتیب در زبان‌شناسی، زبان را متشکل از ساختارهای دستوری و همچنین وسیله‌ای برای ارتباط در نظر می‌گیریم. اما اگر تابع فلسفه خردگرا^۱ باشیم، روان‌شناسی شناختی را می‌پذیریم؛ یعنی بخشی از توانایی یادگیری را پیشینی و متأثر از دستگاه شناختی عام می‌پنداریم. در نتیجه آموزش زبان دائماً تحت تأثیر یافته‌های فلسفه، روان‌شناسی و زبان‌شناسی است. این تأثیر از زبان‌شناسی و روان‌شناسی به صورت مستقیم و از فلسفه غیرمستقیم و به واسطه زبان‌شناسی و روان‌شناسی است. برای اینکه نگاه حرفه‌ای و دقیقی به آموزش زبان داشته باشیم باید ببینیم که انسان را چگونه موجودی در نظر گرفته‌ایم (فلسفه)، سپس فکر کنیم که انسان چگونه می‌آموزد (روان‌شناسی) و همچنین باید بدانیم که زبان از نظر ما به چه معناست، آیا ما زبان را معادل دستور زبان می‌دانیم یا معادل یک وسیله ارتباطی که دستور زبان هم در خدمت آن قرار می‌گیرد (زبان‌شناسی). برهم کنش این سه حوزه «آموزش زبان» را خواهد ساخت.

با این مقدمه کوتاه، بیان می‌کنیم که تمرکز ما بر آموزش زبان است و در بخش‌های بعد ساحت‌هایی که آموزش زبان از آنها تأثیر می‌پذیرد را معرفی خواهیم کرد.

۲-۱. برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش

در این بخش به «ساحت‌های گوناگون آموزش زبان» می‌پردازیم. آموزش زبان فارسی یا آموزش زبان خارجی به‌طور کلی سه ساحت اصلی دارد: «برنامه‌ریزی^۲»، «آموزش^۳» و «سنجش^۴».

رابطه بین برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش یک رابطه کاملاً پویا^۵ است. نحوه برنامه‌ریزی ما بر نحوه آموزش و نحوه آموزش ما بر نحوه سنجش تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال،

¹ rationalism

² planning

³ teaching

⁴ assessing

⁵ dynamic

تصور کنید یک سازمانی که آزمون ورودی دانشگاه‌های ایران را برگزار می‌کند یا سازمان‌هایی که چنین آزمون‌هایی را در کشورهای دیگر برگزار می‌کنند، اعلام کنند که برای سنجش توانایی زبان خارجی افراد، تمام داوطلبان باید در مصاحبه حضوری شرکت کنند و یک متن نیز بنویسند، طبیعتاً این نوع سنجش بر کل آموزش تأثیر می‌گذارد و خودش نیز از برنامه‌ریزی تأثیر می‌پذیرد. همچنین، بر برنامه‌ریزی آموزشی نیز تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، برنامه‌ریزی، سنجش و آموزش با یکدیگر، یادگیری خوب، هدفمند، مؤثر و مانا را به دنبال دارند. گاهی مواقع تجربه کرده‌ایم که افرادی ساعت‌ها در کلاس حضور دارند اما چیزی یاد نمی‌گیرند. مقصر اصلی در چنین شرایطی تنها معلم یا زبان‌آموز نیست؛ بلکه نحوه برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش است.

یادگیری یک گوهر است که در صدفی شکل می‌گیرد و سه وجه این صدف؛ برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش است. معلم خوب زبان فارسی باید برنامه‌ریزی، آموزش، طراحی محتوا، روش‌های آموزش و روش‌های موجود سنجش یادگیری زبان فارسی را به خوبی بداند و اگر همه این عوامل را به درستی بداند و با هماهنگی به کار گیرد، در موفقیت زبان‌آموز خود نباید هیچ تردیدی داشته باشد. به بیان ساده‌تر، برنامه آموزش زبان فارسی از سه بخش اصلی زیر تشکیل شده است:

بخش اول: طراحی «طرح درس»^۱ یعنی طراحی محتوای آموزشی، به عبارت دیگر «چه چیزی را درس بدهیم؟».

بخش دوم: «روش تدریس»^۲ یعنی «چگونه آن را درس بدهیم؟»، روال‌ها و فنون کلاس‌داری.

بخش سوم: «سنجش»^۳ که بر خروجی‌ها^۴ و برون‌دادهای یادگیری تمرکز دارد؛ یعنی «چگونه یادگیری را مورد ارزشیابی و سنجش قرار دهیم؟»

بنابراین، یک معلم زبان فارسی برای موفقیت در کار خود، همواره باید سه اصل پیش‌گفته را مبنای فعالیت‌های آموزشی خود قرار دهد که عبارتند از: «چه چیزی را درس

^۱ syllabus design

^۲ methodology

^۳ assessment

^۴ outputs

بدهم (محتوا؟)، «چگونه آن را درس بدهم (روش تدریس)؟» و «چگونه یادگیری آن را بسنجم و ارزیابی کنم (آزمون سازی)؟». این سه با یکدیگر، یک آموزش زبان موفق را برای ما به ارمغان خواهد آورد.

در ادامه روش‌های تدریس زبان فارسی معرفی می‌کنیم، درواقع، بر یکی از ضلع‌های این مثلث، یعنی ضلع روش‌شناسی آموزش زبان، تمرکز می‌کنیم. برنامه درسی ما شش بخش اصلی دارد: مهارت شنیدن، مهارت صحبت کردن، مهارت نوشتن، مهارت خواندن و دو مؤلفه مهم واژه و دستور. البته به تلفظ، مکالمه و گفتمان نیز توجه خواهیم کرد. با این مقدمه، روش‌شناسی آموزش زبان فارسی و آموزش فنون و مهارت‌ها و زیرمهارت‌های را بررسی خواهیم کرد.

۳-۱. روش تدریس

همانطور که بیان شد، آموزش زبان سه ساحت اصلی دارد: برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش. رابطه این سه با یکدیگر رابطه‌ای فرآیندی است؛ به این معنا که بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. ابتدا باید بدانیم که تا چه اندازه برنامه‌ریزی درست بر نحوه آموزش و تا چه حد این دو، بر نحوه سنجش دانش، توانش و مهارت‌های زبان فارسی تأثیر می‌گذارد. در ادامه قصد داریم روش تدریس زبان فارسی یعنی فنون، روال و تکنیک‌های آموزش آن را بیان کنیم.

نخست به این پرسش پاسخ می‌دهیم که منظور از «روش» چیست؟ به‌طور کلی روش تدریس دو معنا دارد:

۱. مطالعه روال‌ها^۱ و روش‌هایی که در تدریس به کار می‌رود.
۲. اصول و قواعدی که زیرساخت این روال و روش‌هاست، به این معنا که معلم چگونه درس می‌دهد؟ و چرا این‌گونه درس می‌دهد؟ بنابراین روش تدریس شامل موارد سه‌گانه زیر است:

۱. روش تدریس به مطالعه ماهیت مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبانی و شیوه تدریس آنها می‌پردازد. به‌طور مثال، منظور از مهارت خواندن چیست؟ پاسخ به این

^۱ procedures

^۲ methods

سؤال بر نحوه تدریس تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب، مهارت‌های شنیدن، صحبت کردن، نوشتن یا مؤلفه دستور. برای مثال، اگر دستور را نحوه ساخت جمله بدانیم، به یک شیوه مشخص آموزش می‌دهیم و اگر آن را یک نظامی بدانیم که بر تمام رفتارهای زبانی تأثیر می‌گذارد، شیوه دیگری برای تدریس آن برمی‌گزینیم. همچنین، تعریف ما از واژه نیز بر انتخاب نوع روش تدریس آن مؤثر خواهد بود.

۲. مطالعه نحوه تهیه طرح درس؛ یعنی نحوه تهیه مواد آموزشی و کتب درسی مربوط به مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبانی، بر روش تدریس آنها تأثیرگذار است.

۳. نظام ارزشیابی^۱.

به طور کلی، روش تدریس به مفهوم مطالعه ماهیت مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبانی، نحوه طراحی محتوا و نحوه ارزشیابی است.

با ذکر این مقدمه، در این بخش صرفاً به ماهیت مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبانی یعنی روش تدریس می‌پردازیم. در این مفهوم روش تدریس عبارت است از: «روش‌ها، روال‌ها، اصول و عقایدی که بر تدریس ما تأثیرگذار هستند» به عبارت دیگر «من چه چیزی را چگونه تدریس کنم؟ ماهیت آن چیزی که تدریس می‌کنم چیست؟».

پیش از ورود به بحث باید اشاره شود که روش‌های آموزش زبان یک سیر طولانی را طی کرده‌اند و اصطلاحاً یک سیر تکوینی داشته‌اند. روش‌های پیشین را باید شناخت تا روش خوبی برای آینده انتخاب کرد. کسانی که گذشته را نمی‌شناسند، برداشت سطحی‌ای از وضع موجود دارند و در نتیجه آینده‌ای ناپایدار و ضعیف خواهند ساخت. شناخت روش‌های مطرح شده پیشین و دلیل کنار گذاشته شدن آنها، مقدمه مهمی برای درک روش‌های بعدی است.

به طور کلی روش تدریس غالب، در قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم روش «دستور-ترجمه»^۲، یعنی در فاصله زمانی هفتاد تا هشتاد سال پیش این روش در کل دنیا متداول بود. سپس، روش «شنیداری-گفتاری»^۳ یا «روش ارتش»^۴ جای آن را گرفت. چند دهه

^۱ evaluation

^۲ Grammar-Translation Method

^۳ Audio-Lingual method

^۴ (Army Method)، این روش در جنگ جهانی دوم، توسط ارتش ابداع شد.

بعد، این روش نیز جای خود را به رویکردهای ارتباطی^۱. همان‌طور که پیشتر بیان شد، این تغییر ناشی از تغییری است که در روان‌شناسی، زبان‌شناسی و فلسفه اتفاق افتاده است. یعنی زمانی‌که روش تدریس «دستور-ترجمه» و «شنیداری-گفتاری» را انتخاب کرده‌ایم، به‌ترتیب آموزش زبان را معادل «آموزش متون» و «آموزش دستور زبان» در نظر گرفته‌ایم. در حال حاضر، زبان را وسیله‌ای برای ارتباط تلقی می‌کنیم، لذا بر رویکردهای ارتباطی تأکید می‌کنیم.

جان کلام این است که در روش‌شناسی آموزش زبان دوم/خارجی، تاریخچه‌ای وجود دارد که آشنایی کلی با آن برای هر معلم زبان فارسی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. ما در صورتی می‌توانیم صاحب یک روش خوب شویم، که همه روش‌ها را بشناسیم. کلاس، محل نمایش معلم و محل کار او است. کلاس اصطلاحاً صحنه نمایش است که معلم در آنجا باید نقش خودش را به بهترین شکل ایفا کند. معلم زبان باید همه روش‌ها را بشناسد و از بهترین روش استفاده کند.

در طول پنجاه سال اخیر، یعنی از دهه ۱۹۷۰ به این سو، «آموزش زبان ارتباطی»^۲ مطرح شده، که با نام اختصاری CLT شناخته شده است. برخی از پیشکسوتان آموزش زبان فارسی نام آن را در زبان فارسی «آزا» گذاشته‌اند، یعنی زبان را ابزاری برای بیان معنی می‌دانیم و هدف آموزش هم رفع نیازهای ارتباطی است. یعنی این رویکرد نیازمحور^۳ و یادگیرنده‌محور^۴ است. این روش در قالب‌های مختلفی اجرا می‌شود که یکی از آنها تکلیف‌محور^۵ است. اگر هدف معلم از آموزش زبان ارتباط باشد، به کاربرد زبان توجه ویژه‌ای دارد. به‌عنوان مثال، در آموزش ساختار جملات سؤالی، همزمان با آموزش ساختار، به کاربردهای آن نیز می‌پردازد. بنابراین، زبان‌آموزی که به این شیوه آموزش دیده است، در موقعیت‌های خاص می‌تواند نیازهای خود را برطرف کند.

به گفتگوی زیر توجه کنید:

فروشنده: بفرمایید! امرتان!

¹ Communicative

² Communicative Language Teaching

³ need-based

⁴ learner-based

⁵ Task-Based Teaching (=TBT)

فارسی آموز: سسس ل ل ل ... سلام.

فروشنده: در خدمتم...

فارسی آموز: (سکوت کامل و قطع ارتباط)...

در نمونه بالا فارسی آموز در پاسخ به جمله فروشنده، با تردید پاسخ داده است زیرا او زبان فارسی را با اهداف ارتباطی یاد نگرفته و همیشه انتظار دارد گفتگو با «سلام» آغاز شود.

۱-۴. سیر تکوین روش های تدریس زبان

پیش تر اشاره شد که روش های آموزش زبان، یک سیر تکوینی را طی کرده اند و مدرسان زبان فارسی باید با این سیر آشنا باشند تا از یافته های این مسیر استفاده کنند. بنابراین برای اجرای موفق تدریس حتماً باید بدانیم که روش های پیشین چگونه شکل گرفته و چگونه منسوخ شده اند، البته ذکر این نکته لازم است که هیچ روشی به طور کامل کنار گذاشته نشده است بلکه هر روشی تأثیر خود را بر روش بعدی می گذارد و باعث توسعه و تکمیل آن خواهد شد.

به طور کلی در آموزش زبان، سه دوره را طی کرده ایم: ۱) یک دوره طولانی به نام «دوره ترجمه»، یعنی آموزش زبان به معنی آموزش ترجمه و دستور زبان هم معادل جمله سازی بوده است. ۲) دوره «سمعی-بصری» که نقطه اوج آن روشی است به نام روش «گفتاری-شنیداری» یا «روش ارتش» که در بسیاری از نقاط جهان اکنون نیز در حال استفاده است. ۳) رویکردهای ارتباطی که تقریباً از پنجاه سال پیش شروع شده و دائماً در حال رشد هستند.

در همین رابطه، نکته اول اینکه روشی مثل «دستور-ترجمه» که سابقه آن حداقل به صد و پنجاه سال پیش می رسد و بیشتر کشیش ها و کسانی که به تبلیغ دین مسیح می پرداختند از آن استفاده می کرده اند، هنوز هم روش غالب در بسیاری از نقاط جهان است. روش «گفتاری-شنیداری» نیز همچنان با استقبال زیادی روبرو است. منظور از سیر تکوینی کنار گذاشتن کامل روش ها نیست؛ زیرا هنوز هم از آن ها استفاده می شود و در پاره ای از موارد استفاده درست و دقیق از آنها می تواند موفقیت آمیز نیز باشد.

ما باید از روش‌های نوین آموزش زبانی استفاده کنیم که برگرفته از یافته‌های جدید عملی و علمی باشد. باتوجه به یافته‌های بدست آمده از تجربه‌های ثبت شده در کلاس درس از نقاط مختلف جهان، بر این باوریم که رویکردهای ارتباطی مناسب‌تر هستند. آموزش زبان فارسی با اهداف ارتباطی می‌تواند برای بسیاری از فارسی‌آموزان خارجی یا ایرانیان خارج از کشور راهگشا باشد.

نمونهٔ اعلای روش تدریسی که تأکید بر دستور دارد همان روشی است که به آن روش «دستور-ترجمه» می‌گویند. در این روش، دستور زبان و ترجمه مهم است. نام دیگر این روش، روش «غیرمستقیم» است. دلیل این نامگذاری آن است که رابطهٔ بین فرد و زبانی که یاد می‌گیرد با وساطت و زبان مادری و از طریق ترجمه است. برای مثال، یادگیری زبان انگلیسی به کمک زبان فارسی. این روش، آموزش زبان را معادل آموزش دستور به شیوه سنتی و معادل آموزش متون می‌داند و کارکردهای خاص خود را دارد. ما به هیچ عنوان این روش را رد نمی‌کنیم چراکه در بسیاری از موارد برای آموزش ادبیات فارسی روش مناسبی است.

باتوجه به اینکه توانش ارتباطی زبان‌آموزان در روش «غیرمستقیم»، تقویت نمی‌شد، به همین دلیل جای خود را به روشی به نام «مستقیم»^۱ داد. هدف روش «مستقیم» این بود که ترجمه را کنار بگذارد تا زبان‌آموز به‌طور مستقیم وارد زبان جدیدی شود که در حال یادگیری آن است. این روش را نیز کلیسا ابداع کرد زیرا معتقد بود که ترجمه گناه است! بنابراین، تمرکز این روش بر مهارت‌های شنیدن و صحبت کردن است و براین اساس درون‌داد زبان‌آموز در کانون توجه قرار دارد و محتوای آموزشی برپایه مهارت‌های خواندن و شنیدن تدوین می‌شود. این روش در برخی موارد موفق بوده و در برخی موارد نیز با شکست روبرو شده است.

روش‌های «غیرمستقیم» و «مستقیم» پایهٔ روان‌شناسی، زبان‌شناسی و فلسفهٔ مشخصی ندارند. عمدتاً حاصل تجربهٔ کلیسا در ترویج دین مسیح هستند. اکنون نیز در بعضی مراکز دینی ایران مانند حوزه‌های علمیه، از روش «دستور-ترجمه» استفاده می‌

^۱ direct method

شود. بنابراین، برای کاربردهای خاص، می‌تواند روش مناسبی باشد، اما برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و به خارجی‌ان، هیچ کدام از این دو روش مناسب نیستند. متأسفانه هنوز بسیاری از مراکز آموزش زبان فارسی به روش «دستور-ترجمه» آموزش می‌دهند. این روش با اهداف ارتباطی سازگار نیست. مهمترین نقطه ضعف این روش از بین بردن انگیزه زبان‌آموزان به‌هنگام یادگیری زبان است؛ زیرا به جای اینکه زبان فارسی را بیاموزند، درباره زبان فارسی می‌آموزند. در این روش، زبان‌آموزان یاد می‌گیرند که فاعل، اسم، فعل و صفت چیست، کلمات را می‌شناسند، می‌توانند واژه‌ها را معنی کنند ولی نه صحبت می‌کنند و نه می‌نویسند! داشتن دانش به‌تنهایی کافی نیست. اگر این دانش به کاربرد منتهی نشود و اگر زبان‌آموز انگیزه خود را در اثر تأمین نشدن نیازش از دست بدهد، از یادگیری زبان فارسی دست خواهد کشید چون این روش نیازهای او را برآورده نمی‌سازد.

در حدود دهه ۱۹۵۰، روش «گفتاری-شنیداری» ابداع شد که محور آن تکرار، تقلید و تمرین بود. در این روش، آموزش زبان برابر است با تکرار زیاد و یادگیری با تکرار زیاد میسر می‌شود، به همین دلیل تمرین‌هایی با نام «تکرار مکرر»^۱ در این روش طراحی شد که از نوع مکانیکی با تکرار زیاد هستند. مطابق این روش، ذهن انسان یک لوح نانوشته است که هر چیزی بر آن نگاشته شود آن را یاد می‌گیرد. طرفداران این روش، پیرو روان‌شناسی رفتارگرا هستند زیرا یادگیری را معادل شکل‌گیری عادت می‌دانند که از طریق تقلید، تکرار زیاد و تمرین حاصل می‌شود. زبان‌شناسی ساخت‌گرا^۲، پایگاه نظری آن‌ها در علم زبان‌شناسی است؛ به این معنا که زبان را متشکل از تعدادی ساخت‌های سلسله‌مراتبی آواشناسی، صرف، نحو و ... می‌دانند. به همین دلیل، در آموزش زبان به‌ترتیب بر آموزش الفبا سپس آموزش کلمه، آموزش گروه و درنهایت آموزش جمله تمرکز می‌کنند.

با ظهور فلسفه خردگرا، روان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی زایشی^۳ پایگاه نظری این روش به چالش کشیده شد و از رواج افتاد؛ اگرچه همچنان در بسیاری از کشورهای معتبر جهان از این روش استفاده می‌کنند. «رویکردهای ارتباطی» جایگزین این روش شدند و

^۱ drill

^۲ structural linguistics

^۳ generative grammar

از آن پس در فضای آموزش زبان، واژه «روش»^۱ منسوخ، و جای خود را به «رویکرد»^۲ داد زیرا «روش» به معنی تعدادی تکنیک و رویه مشخص و مکانیکی است، اما «رویکرد» اصطلاحی گسترده‌تر است. البته، ما کماکان در بحث آموزش زبان، به خاطر سهولت، گاهی از عبارت «روش‌های ارتباطی» استفاده می‌کنیم.

در این دوره، رویکردهای ارتباطی با پایگاه روان‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی زایشی و فلسفه خردگرا به حوزه آموزش زبان وارد شدند. در نتیجه «رویکرد طبیعی»^۳، «رویکرد واژگانی»^۴ و «آموزش مبتنی بر پاسخ کامل فیزیکی»^۵ رواج یافت.

از سوی دیگر در همین دوره است که یک‌سری روش‌ها تحت عنوان روش‌های «انسان گرایانه»^۶ نیز مطرح شدند و بر این باور بودند که کلید یادگیری این است که انسان مانعی در درون خودش احساس نکند، انگیزه خودش را مبنا قرار دهد و احساس و عاطفه خود را حفظ کند. در نتیجه، روش‌های «صامت»^۷، «تلقین‌زدایی»^۸ یعنی برای یادگیری زبان باید نگرش منفی را کنار گذاشت و روش «زبان‌آموزی جمعی»^۹ را جایگزین آن کرد، این سه روش را روش‌های «اومانستی» یا انسان‌گرایانه می‌نامند و در کنار رویکردهای ارتباطی، پیامشان «حذف دستور از برنامه‌های آموزش زبان» است.

از آنجاکه کودک زبان مادری خود را به‌صورت طبیعی و بدون آموزش دستور فرامی‌گیرد، پیروان این رویکرد بر همین مبنا در آموزش زبان دوم / خارجی، دستور زبان را از محتوای آموزشی خود حذف کردند. اما این حذف به معنای بی‌اهمیت دانستن دستور نیست بلکه آنقدر بااهمیت است که باید به‌طور طبیعی، خودانگیخته و به‌صورت غیرمستقیم آموزش داده شود. این رویکردها عمدتاً بر آموزش و یادگیری واژگان تاکید داشتند. اما این نوع نگاه، با کاستی‌هایی نیز همراه است چراکه بخشی از دستور باید به‌صورت مستقیم و در کلاس آموزش داده شود.

¹ method

² approach

³ Natural Approach

⁴ Lexical approach

⁵ Total Physical Response(=TPR)

⁶ humanistic

⁷ Silent Way

⁸ Desuggestopedia

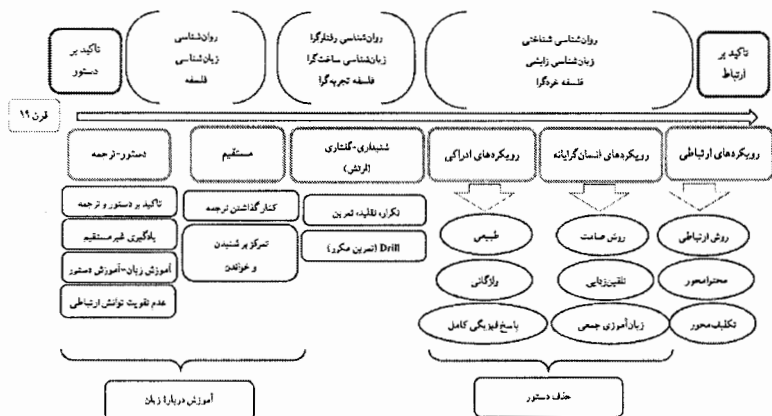
⁹ Communicative Language Learning

شکل‌گیری رویکردهای ارتباطی یعنی رویکرد مبتنی بر «آموزش ارتباطی»، «محتوامحور» و «تکلیف‌محور» در همین دوره آغاز شد. در این رویکردها پس از برآورده شدن اهداف ارتباطی، با نگاهی منطقی آموزش دستور زبان را لازم می‌دانند.

۵-۱. اصول آموزش زبان

در نمودار زیر سیر تکوینی اصول و روش‌های آموزش زبان دوم / خارجی نمایش داده شده است:

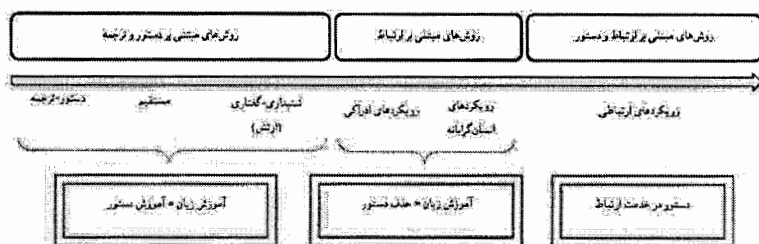
سیر تکوینی روش تدریس



شکل ۵-۱. سیر تکوینی روش تدریس

صورت ساده‌شده نمودار بالا را می‌توان به شکل زیر نمایش داد که نشان‌دهنده سیر سه مرحله‌ای آموزش زبان است، یعنی از روش‌های مبتنی بر «دستور-ترجمه» به روش‌های مبتنی بر «ارتباط» رسیده‌ایم، سپس مجدداً به روش‌های مبتنی بر دستور همراه با ارتباط بازگشتیم.

سیر تکوینی روش تدریس



شکل ۶-۱. سیر تکوینی روش تدریس

بنابراین، اکنون به دیدگاهی منطقی رسیده‌ایم که زبان باید با اهداف ارتباطی همراه با دستور آموزش داده شود. یعنی آن چیزی از دستور زبان را درس بدهیم که به اهداف و نیازهای ارتباطی ما کمک می‌کند. بیشتر اشاره کردیم که در سیر تکوین آموزش زبان با دو دوره روش و پساروش روبرو هستیم. در دوره روش برای آموزش زبان رویه‌ها و تکنیک‌های مشخصی پیشنهاد شده است. در دهه هفتاد قرن بیستم، واژه «روش» به مفهوم یکسری رفتارهای منظم در کلاس درس و رویه‌های از قبل طراحی شده، کنار گذاشته شد و به دوره پساروش رسیدیم که به معنای دوره «بدون روش» است؛ به این مفهوم که یک معلم زبان خوب تمام روش‌های آموزش زبان را می‌شناسد و بر مبنای اصولی خاص تدریس می‌کند؛ اصولی که تفاوتی نمی‌کند که مدرس به چه کسی، با چه سنی، با چه هدفی و در چه موقعیتی درس می‌دهد، در هر شرایطی او باید این اصول را رعایت کند. برای آموزش موفق، تأثیرگذار، سریع، ساده و دلچسب سه اصل زیر معرفی می‌شود: اصل اول: کلاس باید «زبان‌آموزمحور» باشد؛ یعنی زبان‌آموز محور یادگیری است. در این نوع کلاس، یادگیرنده‌ها فعالانه در فرایند یادگیری خود مشارکت دارند. برای دستیابی به این اصل ۹ شیوه پیشنهادی زیر ارائه می‌شود:

- ۱) معلم نقش تسهیل‌کننده دارد و کنترل‌کننده نیست؛ یعنی فرایند یادگیری را آسان می‌کند، مسئولیت‌پذیری را در زبان‌آموز تقویت می‌کند و به او انگیزه بدهد. برای دستیابی به این مهم ابتدا باید اهداف یادگیری برای زبان‌آموز

روشن شود و به آنها بگوید که قرار است چه چیزی را یاد بگیرند و چرا لازم است آن را یاد بگیرند.

۲) معلم، مؤلف و زبان‌آموز هر کدام، اهداف مستقل و مشخصی از فرایندآموزشی دارند، برای دستیابی به یک روش موفق باید بین اهداف این سه، رابطه منطقی و معنی‌داری برقرار شود. بنابراین گام اول این است که معلم هدف‌های خود را شفاف کند. سپس، بکوشد تا زبان‌آموزان اهدافشان را شناسایی کنند و بر این اساس محتوای آموزشی مرتبط انتخاب شود.

۳) در برخی از موارد ما با مشکلی به نام «انتقال دانش»، مواجه هستیم یعنی زبان‌آموز در کلاس، زبان را یاد می‌گیرد اما هیچ‌گاه از آن استفاده نمی‌کند. معلم خوب، معلمی است که زمینه‌ها و موقعیت‌های متنوعی برای زبان‌آموزان فراهم کند تا آنها بتوانند خارج از بافت کلاس از زبان استفاده کنند. برای مثال، می‌توان از معرفی سایت‌های آموزشی مرتبط، ارتباط با سایر زفارسی‌آموزان و صحبت کردن به زبان فارسی از متداول‌ترین فعالیت‌های معلمان حرفه‌ای برای حل این مشکل هستند.

۴) از آنجاکه گاهی زبان‌آموزان به روش و سبک یادگیری خود آگاهی ندارند، معلم باید به آنها کمک کند که راهبردهای یادگیری‌شان را بشناسند و تقویت کنند. «راهبرد یادگیری»^۱ به این معنا است که هر زبان‌آموز به شیوه خاص خود زبان را می‌آموزد. برای مثال، راهبردهایی نظیر «طبقه‌بندی کردن»، «فهرست کردن»، «دسته‌بندی کردن»، «نقشه کشیدن»، «خلاصه کردن» را به آنها معرفی کند.

۵) از سوی دیگر، سبک و استراتژی‌های یادگیری زبان‌آموزان با یکدیگر متفاوت است. برخی با گوش کردن خوب یاد می‌گیرند، برخی با دیدن و برخی با خواندن. معلم باید بر این اساس در صدد تهیه محتواهای متنوع

^۱ learning strategy

شنیداری، دیداری و خوانداری باشد و از این طریق سبک‌های یادگیری زبان‌آموزان را شناسایی و تقویت کند.

۶) نکته بعدی این است که به زبان‌آموز در شیوه برنامه‌ریزی درسی و انتخاب تمرین قدرت انتخاب بدهیم؛ در این صورت، نیازی نیست معلم اتکای صددرصدی به کتاب آموزشی داشته باشد؛ بلکه باید به فراخور نیازسنجی‌های آموزشی محتوای متناسبی را تدوین و در اختیار زبان‌آموزان قرار دهد. البته، این بدان معنا نیست که معلم کنترل تدریس و برنامه‌ریزی خودش را از دست بدهد؛ بلکه منظور این است که زبان‌آموزان در انتخاب تمرین‌ها مشارکت داده‌شوند.

۷) معلم باید به زبان‌آموزان خود پیام‌وزد که «تکالیف یادگیری» تولید کنند؛ یعنی بتوانند از متونی که در اختیار آنها قرار داده می‌شود سؤال طرح کنند و از یکدیگر بپرسند، قطعاً زبان‌آموزی می‌تواند سؤالات مناسبی طراحی کند که به خوبی متن را درک کرده باشد.

۸) ایجاد فرصت تدریس زبان‌آموزان در کلاس روشی است که طریق آن می‌توان فرایند یادگیری را تقویت کرد؛ زبان‌آموزانی که محتوای آموزشی را خوب یاد گرفته باشند می‌توانند به راحتی آن را تدریس کنند. بنابراین، معلم باید این فرصت را در اختیار آنها قرار دهد.

۹) معلم باید شرایط خوبی برای زبان‌آموزان فراهم کند که درباره زبان تحقیق کنند. برای مثال، هنگامی که واژه «کتاب» را یاد گرفتند از آنها بخواهد تا واژه‌های مرتبطی مانند «کتابخانه»، «کتابفروشی»، «کتابخوانی» و... را پیدا کنند.

اصل دوم: روش خاص خودتان را داشته باشید؛ یعنی از میان روش‌های متعدد یاد شده به روش خاصی برای تدریس خود دست یابید. برای اینکه روش خاص خودتان را داشته باشید، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱) ابتدا باید از تمامی روش‌های آموزش زبان آگاهی کافی داشته باشید.

۲) تجربه‌ها و چالش‌های کلاس خود را وقایع‌نگاری کنید. به عبارت دیگر، مشاهده کلاسی داشته باشید. معلمان حرفه‌ای معمولاً در پایان کلاس‌های خود، نسبت به وقایع‌نگاری آن و ثبت تجربه‌های آن کلاس اقدام می‌کنند. تجربه نشان داده است که وقایع‌نگاری کلاس توسط معلمان، تأثیر زیادی در حرفه‌ای شدن آنها دارد.

۳) از همکاران و مدرسان با تجربه بخواهید تا براساس فرم‌های مشاهده کلاسی، کلاس شما را ارزیابی کنند و پیشنهادات و راهکارهایشان را برای بهبود کلاس ارائه دهند.

۴) یک فهرست بازبینی که از آیتم‌های زیر تشکیل شده است برای ارزیابی نحوه تدریس خود تهیه کنید:

الف) نحوه ورود به کلاس،

ب) نحوه اداره کلاس،

پ) نحوه پایان دادن به کلاس،

ت) شیوه سنجش یادگیری زبان‌آموزان،

ث) نحوه برخورد با اشتباهات و خطاهای زبان‌آموزان،

ج) نحوه تشویق و ایجاد انگیزه ...

اصل سوم: چرخه تکلیف را کامل اجرا کنید. یک تدریس خوب سه بخش دارد: پیش از تدریس، تدریس و پس از تدریس. برای مثال، معلم در تدریس مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبانی ابتدا به «آماده‌سازی» می‌پردازد [پیش‌تکلیف]، سپس تدریس می‌کند [تکلیف] و در پایان تکالیف تکمیلی، تکلیف خانه، تکلیف واقعی را در اختیار زبان‌آموزان قرار می‌دهد [پس‌تکلیف]



شکل ۱-۷. چرخه تکلیف

۶-۱. یادگیرنده محوری چیست؟

در روش‌های نوین آموزش زبان، کلاس و آموزش در اختیار زبان‌آموز قرار می‌گیرد و محور یادگیری و مهمترین عنصر یادگیری خود یادگیرنده است. اما «یادگیرنده محوری» به چه معناست و مدرس چگونه می‌تواند با محوریت زبان‌آموزان، کلاسی پویا داشته باشد؟

اصل اول: اصل پل

اصلی در یادگیرنده محوری وجود دارد که نگارنده آن را «اصل پل» نامیده است. یادگیری، فعالیتی است که در آن بین آنچه می‌دانیم و آنچه نیاز داریم بدانیم پلی ایجاد شود. به عبارت دیگر، بخش قابل توجهی از فرایند یادگیری مستلزم فعال شدن دانش پیشین درخصوص آن موضوع است.

اصل دوم: مسئولیت یادگیری بر عهده زبان‌آموز است.

معلم باید تلاش کند که زبان‌آموزان مسئولیت یادگیری را خودشان به عهده بگیرند و این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که به آنها فرصت یادگیری بدهیم. هر زمان که فرصت انجام کاری از زبان‌آموز سلب شود، درواقع یک فرصت یادگیری از او گرفته شده است. مدرسان باید بکوشند تا زبان‌آموزان آنچه که یاد گرفته‌اند را به کار ببرند. هر فرصت عملی انجام دادن یک فعالیت به زبان‌آموزان، در حقیقت یک فرصت یادگیری است.

اصل سوم: «یادگیری عملی» است.

نقل شده است که «اگر چیزی را به من بگوئید فراموش می‌کنم، اگر آن را به من درس بدهید آن را به خاطر می‌سپارم و بعد فراموش می‌کنم، ولی اگر مرا در آن مشارکت دهید، آن را یاد می‌گیرم». مشارکت زبان‌آموزان و سپردن بخشی از سهم کلاس به آنها منجر به یادگیری خواهد شد.

اصل چهارم: «مشارکت جویی و مشارکت طلبی» زبان‌آموزان.

مشارکت دادن آنها در انتخاب محتوای آموزشی، روش تدریس و روش ارزشیابی باعث افزایش انگیزه و در نتیجه باعث یادگیری بهتر او می‌شود. به عبارت دیگر، افراد مطالبی را بهتر می‌آموزند که در انتخاب آنها مشارکت داشته باشند.

اصل پنجم: هم «اهداف زبانی^۱» مهم است و هم «اهداف یادگیری^۲»

اهداف زبانی که همان عناصر زبانی اعم از واژه، دستور و مانند اینها است، در اکثر کلاس‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند. اما آنچه که در بسیاری از کلاس‌ها وجود ندارد، اهداف یادگیری است؛ یعنی اینکه زبان‌آموز وقتی چیزی را یاد گرفت، بتواند آن را در جایی استفاده کند. در نتیجه، معلم باید مهارت یادگیری را در آنها تقویت کند.

اصل ششم: یادگیری استراتژیک^۳

به این معنا که زبان‌آموز یاد بگیرد که چگونه یاد می‌گیرد. برای مثال، در چه حالتی واژه‌ها، دستور و یا تلفظ را خوب یاد می‌گیرد، در چه حالتی متن را خوب می‌فهمد. هنگام مواجهه با یک مشکل خوانداری، چگونه آن را برطرف می‌کند و یا در هنگام صحبت کردن چگونه نوبت‌گیری می‌کند و ...

اصل هفتم، معلم کنترل‌کننده نیست بلکه تسهیل‌گر است.

در کلاس یادگیرنده-محور، بخش عمده‌ای از زمان کلاس در اختیار زبان‌آموزان است. معلم کلاس را اداره می‌کند، نه اینکه آن را کنترل یا اجرا کند. کلاسی که یادگیرنده‌محور است، زمان صحبت کردن زبان‌آموز^۴ و مشارکت آنها بیش از زمان صحبت کردن معلم^۵ است. در این نوع کلاس، کار گروهی اهمیت زیادی دارد زیرا فرصت صحبت کردن بسیار بیشتری را به زبان‌آموزان می‌دهد.

اصل هشتم: زبان‌آموزان از یکدیگر یاد می‌گیرند و به یکدیگر یاد می‌دهند.

در کلاس‌های یادگیرنده‌محور، زبان‌آموزان بیش از اینکه از معلم یا محتوای آموزشی پیام‌ها را از یکدیگر یاد می‌گیرند. بعضی از معلمان مخالف ایده یادگیرنده‌محوری هستند زیرا بر این باورند که یادگیرنده‌محوری مثل این است که بیماری به پزشکش بگوید که چه

¹ language goals

² learning goals

³ strategic learning

⁴ student talking time (STT)

⁵ teaching talking time (TTT)

دارویی به او بدهد، ولی این طور نیست. زبان آموز بیمار نیست و ما هم پزشک نیستیم. اما یک پزشک خوب پیش از اینکه دارویی برای بیمارش تجویز کند، حتماً او را خوب معاینه می کند و پیش از اینکه بیمار وارد اتاق معاینه بشود، برای او دارو نمی نویسد. از او می پرسد و بعد داروهای مورد نیازش را تجویز می کند. ما به عنوان معلمان آموزش زبان فارسی باید محوریت کلاس مان را به زبان آموزان بسپاریم.

۷-۱. جمع بندی

همان طور که بیان شد آموزش زبان ریشه در سه علم فلسفه، روان شناسی و زبان شناسی دارد که در نمودار (۱-۱) نشان داده شد. تحولات این سه علم بر آموزش زبان تأثیر مستقیم دارد. همچنین در دورن علم آموزش زبان سه ساحت برنامه ریزی، آموزش و سنجش وجود دارد که به طور غیرمستقیم از تحولات فلسفه، روان شناسی و زبان شناسی تأثیر می پذیرد. بنابراین، معلم زبان فارسی باید با تحولات این سه علم آشنایی داشته باشد تا بر اساس آن تحولات بتواند برنامه ریزی، آموزش و سنجش خود را به روز کند. در ادامه گفته شد که روش های تدریس زبان سیر تکوینی را طی کرده اند که می توان آن را به سه مرحله اصلی تقسیم کرد:

مرحله اول: آموزش زبان مساوی با آموزش دستور بوده که نماد و نماینده آن روش دستور-ترجمه است؛

مرحله دوم: آموزش زبان معادل آموزش با اهداف صرفاً ارتباطی بوده و دستور زبان در آن حذف شده که نمونه بارز آن رویکردهای طبیعی و واژگانی است؛

مرحله سوم: به مرحله بازگشت دستور معروف است و در آن تکلیف و فعالیت های ارتباطی تکلیف محور مبنای آموزش زبان قرار گرفته اند.

ما کل دوره تحول آموزش زبان را به دو مقطع روش و پسا روش تقسیم می کنیم. هم اکنون در مقطع پسا روش به سر می بریم؛ مقطعی که در آن مدرسان زبان باید از بین روش ها، بهترین روش را، خاص خود، انتخاب کنند. در نهایت، به سه اصل کلیدی در آموزش زبان اشاره کردیم:

اصل اول: زبان آموزمحوری؛

اصل دوم: داشتن روش اختصاصی؛

اصل سوم: تکمیل چرخه تکلیف.

ک

سؤالات فصل

۱. چه افرادی می‌توانند زبان را تدریس کنند؟

- الف. مدرسین متخصص
ب. گویشوران
پ. زبان‌شناسان
ت. روان‌شناسان

۲. کدام یک از گزینه‌های زیر، درست است؟

- الف. پیروی از فلسفه مادی‌گرا منجر به پیروی از روان‌شناسی رفتارگرا می‌شود و در زبان‌شناسی، زبان را معادل ابزار ارتباط می‌داند.
ب. پیروی از فلسفه مادی‌گرا منجر به پیروی از روان‌شناسی شناختی می‌شود و در زبان‌شناسی، زبان را معادل دستور می‌داند.
پ. پیروی از فلسفه غیرمادی‌گرا منجر به پیروی از روان‌شناسی شناختی می‌شود و در زبان‌شناسی، زبان را معادل دستور می‌داند.
ت. پیروی از فلسفه غیرمادی‌گرا منجر به پیروی از روان‌شناسی شناختی می‌شود و در زبان‌شناسی، زبان را معادل ابزار ارتباط می‌داند.

۳. ریشه‌های آموزش زبان عبارتند از:

- الف. فلسفه، روان‌شناسی، زبان‌شناسی
ب. ذاتی‌گرایی، ثبوت‌گرایی، تجربه‌گرایی
پ. رفتارگرایی، ذهن‌گرایی، شناختی
ت. مادی‌گرایی، دستوری، ارتباطی

۴. ساحت‌های اصلی آموزش زبان را مشخص کنید.

- | | | |
|----------------|---------------------------|----------------------------|
| الف. فلسفه | ☐ هست | ☐ نیست |
| ب. برنامه‌ریزی | ☐ هست | ☐ نیست |
| پ. سنجش | ☐ هست | ☐ نیست |
| ت. روان‌شناسی | ☐ هست | ☐ نیست |

ث. آموزش

○ هست

○ نیست

۵. در جدول زیر، شماره موارد ستون اول را در مقابل گزینه صحیح ستون دوم بنویسید. (یک مورد اضافی است)

اصطلاح	توضیح
۱. طراحی درسی	(.....) خروجی‌ها و بروندهای یادگیری
۲. ارزشیابی	(.....) رابطه فرایندی
۳. روش تدریس	(.....) محتوای آموزشی
	(.....) روال‌ها و فنون تدریس

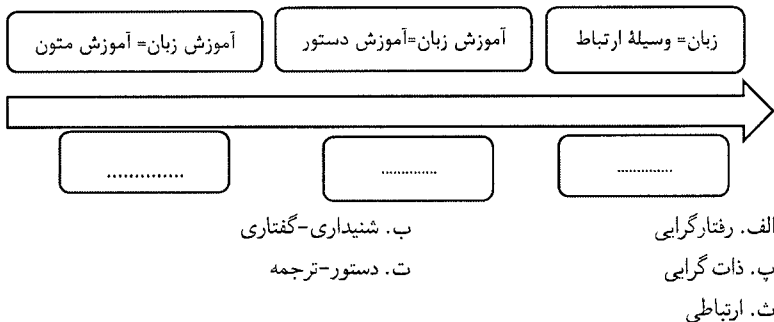
۶. کدام یک از موارد زیر تعریف دقیقی از روش تدریس است؟

- الف. مطالعه روش‌ها و روال‌هایی که در تدریس به کار می‌رود بدون بررسی اصول و عقاید سازنده آنها.
 ب. مطالعه روش‌ها و روال‌هایی که در تدریس به کار می‌رود با بررسی اصول و عقاید سازنده آنها.
 پ. مطالعه اصول و عقاید سازنده روش‌ها بدون مطالعه روش‌ها و روال‌هایی که در تدریس به کار می‌رود.
 ت. مطالعه اصول و عقاید سازنده روش‌ها با بررسی روش‌ها و روال‌هایی که در تدریس به کار می‌رود.

۷. مطالعه روش‌ها و روال‌های به کارگرفته‌شده در تدریس یعنی.....

- الف. مطالعه ماهیت ارزشیابی و سنجش یادگیری
 ب. مطالعه ماهیت مواد آموزشی و کتاب‌های درسی
 پ. مطالعه نحوه تهیه طرح درس و کتب درسی
 ت. مطالعه ماهیت مهارت‌های زبانی و تدریس آنها

۸. با استفاده از گزینه‌های ذکرشده، پیوستار زیر را کامل کنید.



۹. آموزش ارتباطی زبان یعنی زبان برای استفاده شود که هدف آموزش در آن است.

الف. بیان معنا - رفع نیازهای ارتباطی

ب. آموزش دستور - یادگیری درباره زبان

پ. آموزش دستور - رفع نیازهای ارتباطی

ت. بیان معنا - یادگیری درباره زبان

۱۰. در روش گفتاری-شنیداری ابتدا الفبا، سپس واژه و سپس دیگر سازه‌های زبانی تدریس می‌شود. دلیل این کار

الف. فلسفه و روان‌شناسی مشخص در این روش نیست

ب. پیروی این روش از فلسفه تجربه‌گرا

پ. پیروی این روش از روان‌شناسی رفتارگرا

ت. پیروی این روش از زبان‌شناسی ساختگرا

۱۱. با استفاده از گزینه‌های ذکرشده، جدول زیر را کامل کنید. (برای هر کدام دو گزینه انتخاب شود. دو گزینه اضافی است).

روش	توضیح
دستور-ترجمه	
مستقیم	

ب. تکرار، تقلید، تمرین

ت. عدم تقویت توانش ارتباطی

ج. کنار گذاشتن ترجمه

الف. روش غیرمستقیم

پ. تمرکز بر شنیدن و خواندن

ث. زبان‌آموزی جمعی

۱۲. دلیل اصلی اینکه در «رویکردهای انسان‌گرایانه و ادراکی» آموزش دستور حذف شد، چیست؟

الف. پیروی از زبان‌شناسی زایشی و الگوگیری از یادگیری زبان اول

ب. پیروی از زبان‌شناسی ساختگرا و الگوگیری از یادگیری زبان اول

پ. پیروی از زبان‌شناسی ساختگرا و الگوگیری از یادگیری ساخت زبان

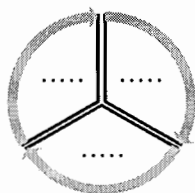
ت. پیروی از زبان‌شناسی زایشی و الگوگیری از یادگیری ساخت زبان

۱۳. در جدول زیر، شماره موارد ستون اول را در مقابل گزینه صحیح ستون دوم بنویسید. (هرکدام دو مورد و یک مورد اضافی است)

روشن	توضیح
روشن	
پساروش	

- الف. تکنیک‌های مشخص آموزش زبان
پ. حذف کامل دستور زبان
ث. رویه‌های مشخص برای تدریس
- ب. تمام روش آموزش زبان به کار گرفته شود
ت. بر مبنای اصول خاص مدرس

۱۴. نمودار زیر، چرخه تکلیف را نشان می‌دهد. با استفاده از گزینه‌های داده شده، آن را تکمیل کنید. (دو مورد اضافی است)



- ضلع اول
ضلع دوم
ضلع سوم

- الف. برنامه‌ریزی
پ. پس تکلیف
ث. تکلیف
- ب. آماده‌سازی
ت. ارزشیابی

۱۵. در آموزش زبان موفق، زمان باید از زمان بیشتر باشد.
برای این هدف، بهتر است از استفاده شود.

- الف. حرف زدن زبان آموز - حرف زدن مدرس - تکلیف در منزل
ب. حرف زدن زبان آموز - حرف زدن مدرس - کار گروهی کلاسی
پ. حرف زدن مدرس - حرف زدن زبان آموز - تکلیف در منزل
ت. حرف زدن مدرس - حرف زدن زبان آموز - کار گروهی کلاسی

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

- صحرانی، رضامراد. (۱۳۹۱الف). «چشم‌انداز آموزش زبان فارسی به غیرایرانیان از منظر برنامه‌ریزی درسی». مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۱، ۹۷-۱۱۳.
- صحرانی، رضامراد (۱۳۹۱ب). «جایگاه رهیافت‌های طراحی برنامه درسی در فرایند سیاست‌گذاری آموزش زبان فارسی به غیرایرانیان». مجله مطالعات برنامه درسی، ۷، ۱-۲۷.
- صحرانی رضامراد (۱۳۹۵). «آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان در مدرسه المهدی قم؛ یک الگوی بومی و کارآمد». مجله پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۹، ۲۹.
- اِر، پنی. (۱۳۹۷ [۲۰۱۶]). ۱۰۰ نکته تدریس زبان؛ ترجمه افسانه غریبی، تهران: نشر نویسه پارسی.
- ریچاردز، جک، سی. (۱۳۹۹ [۲۰۱۷]). ۵۰ نکته برای پیشرفت مدرسان؛ ترجمه مریم سلطانی، تهران: نشر نویسه پارسی.

Larsen-Freeman, D. & Anderson, M. (2011). *Techniques and Principles in Language Teaching*, (3rd Ed). US: Oxford University Press.